

خوانشی تحلیلی از اهمیت اقتصاد در اسلام در اندیشه امامین انقلاب و فقهای مذاهب اسلامی

□ سید حسین خادمیان نوش آبادی *

چکیده

ترجمان اقتصاد، همواره با تعاریف و رویکردهای متفاوت و گاهی متضاد تبیین شده است. اسلام همواره به صورت علمی- کاربردی مقوله اقتصاد را تبیین نموده است و گستردگی تاکید بر اقتصاد صحیح، به همراه تعالیم اقتصادی و فروع فقهی مرتبط با آن، شایسته می‌نماید، معرفت اقتصادی را یکی از اصول اعتقادی اسلامی به شمار آورد، که می‌توان از آن به اقتصاد اعتقادی یاد کرد. کمال‌گرایی در سایه سار اقتصاد در مکتب اسلام با شدت گرفتن تبلیغات مسموم غرب علیه اسلام با محوریت انقلاب اسلامی ایران و القای شبهات مختلف درباره جایگاه اقتصاد در اسلام مواجه گردیده است؛ که این مهم اهمیت جهاد تبیین در ترجمان اقتصاد در نظام فکری مکتب اسلام را نمایان می‌کند. این پژوهش با روش توصیف و تبیین آرا و مستندات متون اسلامی با با خوانشی مقارن و تحلیلی از اندیشه امامین انقلاب اسلامی ایران و فقهای مذاهب اسلامی به دنبال پاسخ این سوال است که اقتصاد در اسلام و اندیشه رهبران آن چه جایگاه و شاخصه‌ای دارد و با بررسی آیات قرآن، احادیث، متون فقهی و آرای علمی- فقهی امامین انقلاب و فقهای مذاهب اسلامی و تحلیل آن به این نتیجه رسیده: تاکیدات مکتب اسلام به اقتصاد و وضع احکام خاص برای آن، موضوع اقتصاد را در شمار یکی از مهم‌ترین تعالیم اسلام و از ارکان حکومت اسلامی قرار داده و با شاخصه‌های ایجابی (عدالت، مالکیت و...) و سلبی (نفی تبعیض، اسراف و...) رشد و ترقی جامعه انسانی بر پایه اقتصاد صحیح را تدبیر می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، امامین انقلاب، مالکیت، عدالت، تحرک اقتصادی، فقه مقارن.

* دانشجوی دکتری فقه مقارن مجتمع عالی فقه جامعه المصطفی ص العالمیه.

مقدمه

اقتصاد یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه انسانی است و رشد و قدرت اقتصادی، به تعبیری مادر استقلال یک جامعه است.

می‌توان گفت هیچ حرکتی در زندگی انسان نمی‌توان یافت، که به نوعی وابسته به اقتصاد نباشد. ارائه راهکارها توسط معصومان علیهم‌السلام به اصحاب، در ابعاد مختلف مسائل اقتصادی و بیش از یکصد هزار مسئله فرعی در مورد اقتصاد که افزون بر یک چهارم مباحث فقه را شامل می‌گردد؛ از قبیل بیع، مضاربه، شفعه، مزارعه، مساقات و... همچنین شعارهای علمی - کاربردی چندین سال متمادی رهبر معظم انقلاب، گویای اهمیت و جایگاه جهاد تبیین در ترجمان اقتصاد، در مکتب اسلام است.

امام خامنه‌ای می‌فرماید: «اگر استقلال اقتصادی یک جامعه تحقق پیدا نکرد، استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، متکی به خود نباشد، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و... تاثیر گذار باشد». (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ش: ۲۳) شاطبی از علمای اهل سنت می‌نویسد: شریعت بر ۵ پایه وضع شده که یکی از آن موارد مساله اقتصاد (اموال) می‌باشد. (ریسونی، ۱۴۰۲ش، ص ۲۰۱) و آیات مکی دلالت مباحث اقتصادی از قبیل حرمت خوردن اموال به باطل، اسراف، غش در معامله، کم فروشی و... دارد. (همان، ص ۲۰۲)

با این همه همواره از سوی برخی این پرسش‌ها مطرح می‌شود:

آیا اسلام دارای اقتصاد بوده و اقتصاد در اسلام چه جایگاهی دارد و شاخصه‌های مهم آن چیست؟

با تشکیل حکومت مقتدر جمهوری اسلامی در ایران، این پرسش‌ها گاهی در قالب ایجاد شبهه، ظهور و بروز بیشتری پیدا نمود که پاسخ به آن، بر اساس اندیشه امامین انقلاب اسلامی ایران یک پژوهش علمی شایسته را ایجاب می‌نماید که در واقع خود، یکی از مصادیق جهاد تبیین می‌باشد.

مکتب مجموعه روشمندی برگرفته از مبانی، ارکان، نگرش‌ها، همراه با باورهای اجتماعی

و دینی است که بر اندیشه خاصی از جهان شناسی با اهداف معین برای رسیدن به تعالی و تکامل استوار است. (عباس حاجی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۳)

این پژوهش برای ترجمان اهمیت اقتصاد در مکتب اسلام و اندیشه رهبران آن در مذاهب اسلامی؛ به تحلیل آیات قرآن مجید، احادیث معصومین (علیهم السلام)، متون فقهی و نظرات امامین انقلاب اسلامی ایران و فقهای مذاهب اسلامی در خصوص اقتصاد و جایگاه و اهمیت آن در مکتب اسلام و اندیشه رهبران اسلامی پرداخته است.

مفاهیم

برای تبیین مقصود پژوهش، ضروری است مفاهیم محوری و کلیدی آن تعریف گردد.

اقتصاد اسلامی

«اقتصاد» در لغت از ماده «قصد» گرفته شده و به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده و در معانی مرتبط دیگری چون عدل و میانه‌روی، صرفه جویی، استقامت و پایداری در مسیر نیز به کار رفته است. (طریحی، ۱۹۸۹م، ج ۳: ۱۲۷)

در متون متقدم، اقتصاد، نامی برای کتاب‌های حاوی محتوای کلامی، فقهی، اخلاقی بوده و شخصیت‌هایی مانند شیخ طوسی، شهید ثانی و ... تحت این عنوان تالیفاتی دارند. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۶۷)

اما امروزه، واژه اقتصاد در مفهومی جدید به کار برده می‌شود و مراد از آن، مسائل و فعالیت‌های شخص یا گروهی در حوزه داد و ستد، تولید و توزیع و ... می‌باشد.

البته اگر مانند مولفان کتاب اقتصاد خرد، در بیان چیستی اقتصاد؛ آن را علم صرفه جویی بدانیم (کالو-واگ، ۱۳۷۴: ۴) می‌توان گفت از برخی روایات اسلامی؛ اقتصاد به مفهوم امروزی نیز استظهار می‌شود. قال امیرالمومنین علیه السلام مَنْ صَحِبَ الْأَقْتِصَادَ دَامَتْ صُحْبَةُ الْغِنَى لَهُ وَجَبَرَ الْأَقْتِصَادُ فَقْرَهُ وَخَلَلَهُ؛ کسی که همنشین اقتصاد باشد بی نیازی پیوسته همنشین او خواهد بود و اقتصاد فقر او را جبران و مشکلات او را برطرف می‌سازد. (آمدی، ۱۳۷۳ش، ج ۵: ۴۵۸)

همچنین: لا هَلاکَ مَعَ اقْتِصَادٍ. (آمدی، ۱۳۷۳ش، ج ۶: ۳۶۲)

در این پژوهش مراد ما از اقتصاد اسلامی یعنی: برداشت‌های کاربردی از داده‌های قرآن و روایات که چگونگی داد و ستد و کسب درآمد و تدبیر آن را معین و حدود و اهداف آن را برای فرد و جامعه اسلامی تعیین و ترسیم می‌نماید که همان اقتصاد اعتقادی است.

اندیشه اقتصادی

اندیشه در لغت به معنای فکر، تأمل (معین، ۱۳۶۲، ج: ۱، ۳۷۷) و در اصطلاح نوعی فعالیت ذهنی انسان در جهت حرکت از مجهول به سمت معلوم و کشف نادانسته‌هاست. (مظفر، ۱۳۸۸، ج: ۱، ۲۳) به بیان دیگر اندیشه: تعقل مبنایی با شاخصه‌های مستدل و قابلیت‌های علمی در راستای برداشتن موانع و تسهیل اسباب برای رسیدن به هدف است بنابراین اندیشه اقتصادی یعنی: مجموعه‌ای از نظریات توصیفی و تبیینی بر پایه عقلانیت و علمیت، درباره چگونگی تدبیر و سازمان دادن به زندگی اقتصادی و راهکار منسجم فکری و کاربردی برای تحقق کارآمدی اقتصاد.

ترجمان

ترجمان به فتح اول و ضم ثالث در لغت به معنای گردانیدن زبانی به زبانی دیگر (بهار، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۵۰۵) بازگو کننده، گزارنده، گزارش گر (معین، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۱۰۶۴) بیان کننده، مفسر (انوری، ۱۳۸۱، ج: ۱، ۱۶۹۰) می‌باشد و مقصود از این واژه در این پژوهش گزارش تفسیری و تحلیلی (تبیین) است.

جهاد تبیین

جهاد؛ بکارگیری منتهای سعی و طاقت همراه با سختی و مشقت در امری مهم است (واعظ زاده خراسانی، الف، ۱۳۹۰، ج: ۱۰، ۲۰۵) امام خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «روایت متقن فراوان است که کسی به شفاعت ما نمی‌رسد مگر به وسیله جد و جهد» (دهلوی، ۱۳۹۸، ج: ۱، ۱۰۷) تبیین: روشن و آشکار کردن ماهیت موضوعی را گویند (انوری، ۱۳۸۱، ج: ۳، ۱۶۱۲) در این پژوهش مقصود از جهاد تبیین، منتهای تلاش علمی و عملی در راستای آشکار

سازی اهمیت اقتصاد در اسلام و داده‌های اقتصادی در حوزه اندیشه و عمل می‌باشد.

امامین انقلاب اسلامی

امام در لغت به معنای پیشوایی، کسی که به او اقتدا می‌شود، راهنمای مسافران، راه آشکار، دانشمندی که از او پیروی می‌شود (واعظ زاده، الف، ۱۳۹۰، ج ۳: ۲۶۹) و در کتب فقهی در باب‌های همچون طهارت، صلات، زکات، خمس، انفال، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، نکاح، اطعمه و اشربه، احیاء موات، ارث، قضاء، حدود، قصاص و دیات، از این عنوان سخن گفته شده است. امام در مفهوم عام یعنی حاکم و ولی مسلمانان (ولی فقیه)، و به صورت اضافه به کار می‌رود؛ مانند امام جماعت و اگر واژه امام بدون اضافه یا قرینه استعمال شد، مقصود، معنای خاص آن می‌باشد یعنی انبیا و اوصیای آنان که از جانب خدای سبحان به این سمت منصوب می‌شوند. مقصود ما از امامین انقلاب اسلامی در این پژوهش، رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی قدس سره و حضرت امام خامنه‌ای مدظله به معنای ولی فقیه می‌باشد.

پیشینه

در خصوص اقتصاد اسلامی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که برخی از این آثار عبارت‌اند از: کتاب اقتصاد ما تألیف سید محمدباقر صدر با ترجمه سید محمد مهدی برهانی، انتشارات دارالصدر سال ۱۳۹۷ و کتاب مکتب اقتصادی اسلام تألیف جعفر عباس حاجی، با ترجمه رجایی رامشه و کرمی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره چاپ اول سال ۱۳۹۰.

همچنین کتاب الحیة تألیف محمد رضا و محمد و علی حکیمی با ترجمه احمد آرام، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی سال ۱۳۷۵ و ... که در این آثار و سایر پژوهش‌هایی که مورد ملاحظه نویسنده این مقاله قرار گرفت بیشتر به اثبات اقتصاد در اسلام و تحلیل فروع و مقایسه آن با دیگر مکاتب اقتصادی پرداخته شده است.

اما آن چه که این پژوهش را با سایر آثار متفاوت می‌نماید این است که در این مقاله صرفاً به مقوله جهاد تبیین در راستای اهمیت اقتصاد در مکتب اسلام و اندیشه رهبران آن

و امامین انقلاب و فقهای مذاهب اسلامی توجه شده تا موجب تسهیل در رسیدن به فهم این موضوع باشد.

جایگاه و اهمیت اقتصاد در مکتب اسلام

با نگرش در آیات و روایات، و گستردگی تعالیم اقتصادی در متون معرفتی اسلامی مانند قرآن و روایات و ... می‌توان گفت: شایسته است یکی از اصول اعتقادات انسان مسلمان را معرفت اقتصاد اسلامی نام‌گذاری کرد. یعنی در کنار توحید، نبوت و معاد بایسته است، اقتصاد اسلامی نیز اضافه شود.

اسلام تلاش اقتصادی را امری بایسته می‌داند. المال و البنون زينة الحياة الدنيا؛ مال و فرزند زینت زندگی دنیاست (کهف: ۴۶) در آیه‌ای دیگر خدای سبحان می‌فرماید:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِمُ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛

بگو: چه کسی زیور (های) خدا را که برای بندگانش پدید آورده و (نیز) روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: این‌ها در زندگی دنیا برای مؤمنان (و کافران) است؛ در حالی که در روز قیامت، ویژه‌ی (مؤمنان) است. این چنین آیات (خود) را برای

افرادى که (حقایق را) می‌دانند، توضیح می‌دهیم. (اعراف: ۲)

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ بَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَ يَصْنَعُ (فيها) الْمَعْرُوفَ، فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۵)

از جمله [عوامل] پایداری مسلمانان و پایداری اسلام، این است که اموال در دست کسی باشد که حق و حقوق آن را بشناسد و نیکی کند، و از [عوامل] نابودی اسلام و نابودی مسلمانان، این است که اموال در دست کسی باشد که حق و حقوق آن را نشناسد و آن را در راه‌های نیکوکارانه به مصرف نرساند.

فقهای مذاهب اسلامی نیز بر این مهم در مباحث مختلف تاکید دارند. ابوحنیفه و

شافعی درآمدهای مالی و غیر مالی اسلامی در مواردی مانند انفال را چه کم و چه زیاد در اختیار امام و حاکم دانسته تا بر اساس مصلحت آن را هزینه نماید. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۲۹۷)

قرآن مجید می‌فرماید:

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ (بقره: ۱۸۸) و دارایی‌های همدیگر را میان خود به نادرستی مخورید و آنها را (با رشوه) به سوی داوران سرازیر نکنید تا بخشی از دارایی‌های مردم را آگاهانه به حرام بخورید.

امام خامنه‌ای در این خصوص می‌نویسد: «اموال باید در اختیار یک قدرتمند الهی باشد یعنی پیامبر و پس از او امام معصوم و اگر امام معصوم نبود، امام عادل الهی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۶۷)

سرخسی از شیبانی نقل می‌کند: امام و حاکم وظیفه دارد در مصرف اموال تقوا پیشه نماید و حق ندارد هیچ فقیری را رد کند و نسبت به او غافل باشد و باید تلاش کند تا فقرا به بی‌نیازی برسند و در این راه باید از زکات و حتی خراج و مالیات استفاده نموده و به فقرا پردازد. (سرخسی، ۱۴۳۱ق، ج ۴، ص ۱۸)

واضح است در اهمیت و جایگاه اقتصاد همین بس که در لسان روایات، بقا و نابودی اسلام و مسلمین، وابسته و متکی به اقتصاد بیان شده است.

امام خامنه‌ای می‌فرماید: «اگر سه عنصر قوی شود ملت قوی می‌شود: اقتصاد، فرهنگ، دانش» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۶)

اقتصاد هم رتبه مسائل عبادی و اعتقادی

جایگاه اقتصاد در اسلام هم دوش معارف اعتقادی و عبادی است. یعنی همان طور که در مباحث اعتقادی و عبادی، فرد مسلمان مورد تعلیم، هدایت و مواخذه قرار دارد، در مقولات اقتصادی نیز مورد تعلیم، ارشاد و سوال است.

وجود پاداش و مجازات دنیایی و آخرتی برای مباحث اقتصادی گویای اهمیت و جایگاه

رفیع اقتصاد در اسلام و امت اسلامی است و این مهم تا آن حد است که می‌توان با صراحت تمام اقتصاد را در شمار معارف اعتقادی اسلام معرفی نمود.

تأثیر اقتصاد در ایمان، نسل و ... انسان که در آیات و احادیث اسلامی به آن اشاره شده است و اثر مستقیم این اقتصاد بر حیات معنوی و مادی انسان، از اهمیت و جایگاه اقتصاد در اسلام پرده‌برداری و راز گشایی می‌نماید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الدُّرِيَّةِ**؛ [اثر] درآمد حرام، در نسل آشکار می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۲۴)

بخاری از محدثان اهل سنت نقل می‌کند: رافع بن خدیج می‌گوید ما در میان فاصله نماز مغرب و عشا تمرین تیراندازی می‌کردیم و تلاش برای کسب مهارت داشتیم و این کار را بعد از نماز مغرب انجام می‌دادیم (کتانی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۷)

این حکایت گویای این حقیقت است تمام ابعادی که اسلام آن را مورد تأکید قرار داده، یک جنبه عبادی و معنوی دارد و لذا برخی از اصحاب تعقیب نمازشان تمرین تیر اندازی بوده است.

به واقع اقتصاد صحیح ضمن این که می‌تواند معنویت مسلمانان را تعالی داده و زندگی مادی آنان را سایه نشین آرامش، امنیت و زیبایی نماید، نردبان رشد و کمال معنوی و اخروی آنان نیز می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا فِي عَفَافٍ كَانَ فِي دَرَجَةِ الشَّهَدَاءِ** کسی که دنیای خود را با عفت نفس و از راه حلال تأمین می‌کند مقام و منزلت شهیدان را خواهد داشت. (فیض‌کاشانی، ۱۳۴۰، ج ۳: ۲۰۳)

در روایتی دیگر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که تلاش می‌کند تا از راه حلال نیازهای خود و خانواده اش را بر طرف نماید همراه پیامبران و صدیقان محشور خواهد شد. (فیض‌کاشانی، ۱۳۴۰، ج ۳: ۲۰۳)

در این روایت اوج اهمیت و جایگاه تحرک اقتصادی صحیح در اسلام تبیین شده است. همچنین در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: امام جعفر صادق علیه السلام: **لَا تَدْعُ طَلَبَ**

الرَّزْقُ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ. هیچ‌گاه از سب روزی حلال رو گردان مباش مال حلال یاور تو در حفظ دین تو است. (حر العاملی، ۱۳۸۴ق، ج ۱: ۱۰)

مکتب اقتصادی اسلام با تبیین راه حل‌های معقول و مشروع به حل مسائل اقتصادی پیروانش می‌پردازد و همگان را به پیروی از قانون مکتب اقتصادی اسلام دعوت و تربیت می‌کند.

بر خلاف تصور غلط موجود در میان برخی، در باره ثروت و تمکن مالی؛ مساله استطاعت مالی و در بیانی دیگر، ثروت و قدرت مالی در اسلام، یک شاکله الهی و نقشی اساسی دارد. لَمَّا سُئِلَ عَنِ الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ وَ مَا عَلَى النَّاسِ فِيهَا: هِيَ خَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْلَحَةً لِيَخْلُقَ بِهَا تَسْتَقِيمُ شُؤُنُهُمْ وَ مَطَالِبُهُمْ (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۰۲)

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال از درهم و دینار و وظیفه مردم نسبت به آن‌ها فرمود: این‌ها خاتم‌های خدا در زمین اویند. پروردگار عالم آن‌ها را برای مصلحت (تمشیت امور) آفریدگانش قرار داده است و با این درهم و دینارهاست که امور و کسب و کار آدمیان رو به راه می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الْمَالُ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَ دَائِعَ، وَ جَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً، وَ يَلْبَسُوا قَصْداً وَ يَنْكِحُوا قَصْداً، وَ يَرْكَبُوا قَصْداً، وَ يَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ يَلْمُؤُوا بِهِ شَعَثَهُمْ؛ اموال از آن خداست که نزد انسان به امانت می‌گذارد و به ایشان اجازه می‌دهد که با رعایت میانه روی بخورند و بپوشند و ازدواج کنند و وسیله سواری بخرند و سوار شوند و مازاد بر آن را به مؤمنان نیازمند بدهند و بدین وسیله آنها را از پریشانی برهانند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۰۵)

مالک از بزرگان اهل سنت می‌گوید: اراضی مفتوح العنوه تقسیم نمی‌گردد و مالیات آن در امور مصالح مسلمین از جمله ارزاق رزمندگان به مصرف، ساختن پل، مسجد، و سایر امور خیر مصرف می‌شود مگر این که امام مصلحت دیگری در مصرف آن تشخیص دهد. (ابن رشد، ج ۱، صص ۲۴۱-۲۱۸)

مکتب اقتصادی اسلام

نظام اقتصادی اسلام، ضمن داشتن اندیشه اقتصادی و نگرشی علمی به اقتصاد، اما محدود به دانش اقتصاد نمی‌تواند باشد. بلکه باید فراتر از علم و در محور یک مکتب ظهور نماید. زیرا مکتب اقتصادی جامع‌تر از دانش اقتصاد ظهور و بروز دارد و به تدبیر و مهندسی هنجارهای اقتصادی با رویکرد شرعی برای آموزش و هدایت جامعه در راستای نیل به استقلال مالی و حل مشکلات اقتصادی فردی و اجتماعی برنامه دارد.

در مکتب اقتصادی است که رباخواری، قمار و ... مفهوم و درآمدی حرام و زشت قلمداد شده چنان‌که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: **أَحَبُّ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا**؛ پلیدترین درآمدها کسب ربا خواری است. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۴۷) و انفاق، خمس و ... معنا و مفهوم رشد دهنده و انسان ساز پیدا می‌نماید.

دیدگاه اسلام راجع به امور اقتصادی یک بعدی و تنگ نظرانه نیست و از قوانین خشک و بی‌روح تشکیل نمی‌شود، بلکه نظام اسلامی امور اقتصادی را به ابعاد گوناگون انسانی و عاطفی و اخلاق محور پیوند می‌زند. (شمس الدین، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۳)

در مکتب اقتصادی اسلام علاوه بر التفات به زندگی مادی و حیات اقتصادی بشر، به جنبه معنوی زندگانی انسانی، نیز توجه ویژه شده است. از این رو، در فقه، بابهای بسیاری به شئون مختلف این بُعد از زندگی انسان با نگرشی به روح معنوی حیات بشری اختصاص یافته است، مانند زکات، خمس، انفال، تجارت، قرض، دین، رهن، تفلیس، حجر، ضمان، حواله، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، کفالت، وقف، صدقات، عطیه، هبه، سبق و رمایه، وصیت، عتق، جعاله، کفارات، صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احیاء موات، لقطه، ارث و دیات. همچنین بخش‌هایی از دیگر باب‌ها به گونه‌ای با مسائل مالی مرتبط‌اند، مانند نکاح، خلع، یمین، نذر و عهد و ... که همگی جامع نگاه مادی و معنوی به انسان و حیات اقتصادی او دارد.

امام خامنه‌ای می‌فرماید: «خمس، زکات؛ کتاب تجارت، مزارعه، مساقات، رهن، مضاربه و سایر عقود، می‌تواند فراهم کننده نظام اقتصادی کشور باشد». (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ج ۴: ۲۶)

شهید صدر در تفاوت میان علم اقتصاد و مکتب اقتصادی می‌نویسد: علم اقتصاد به تفسیر زندگی اقتصادی و حوادث مربوط به آن می‌پردازد و ارتباط میان این رویدادها را با علل کلی حاکم بر آن آشکار می‌نماید. اما مکتب اقتصادی، روشی است که افراد در حیات اقتصادی خود برای مقاصد عملی از آن تبعیت می‌کنند (صدر، ۱۳۹۷، ج ۳۶: ۱) وقتی گفته می‌شود اقتصاد اسلامی علم نیست، یعنی اسلام معمار سامان داد به زندگی اقتصادی هست چنان که برای سایر شئون زندگی راه کار دارد اما با ملاک‌های علم اقتصاد سیاسی، نمی‌توان آن را علم حساب نمود. زیرا اقتصاد اسلامی حرکتی طوفانی برای تغییر فساد است که وجود دارد. (صدر، ۱۳۹۷، ج ۳۸: ۱)

امام علیه السلام می‌فرماید: مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود، هم مشکل فقر را از میان میبرد و هم از فساد شدن یک عده بوسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۳۸۲)

راهکارهای کاربردی در راستای تثبیت جایگاه اقتصاد

با تامل در ابواب اقتصادی منابع فقهی، روشن می‌شود، برای تثبیت جایگاه اقتصادی تحرک، عدالت و مالکیت اضلاع مثلثی هستند که سبب تشکیل حصن مکتب اقتصاد اسلامی می‌شوند. در ذیل این مقولات سه گانه را بررسی می‌کنیم:

تحرک اقتصادی در تثبیت اقتصاد

روشن است مهم ترین راهکار برای تثبیت جایگاه اقتصاد و روز آمدی اقتصادی، ایجاد فضای مناسب برای تلاش و تحرک اقتصادی است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: **أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ بَيْتَهُ وَ أَغْلَقَ بَابَهُ أَكَانَ يَسْقُطُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمَاءِ؟** آیا هیچ دیده‌ای مردی در خانه‌اش بنشیند و در را به روی خود ببندد و از آسمان برای او چیزی فرود بیاید؟! (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۷۸)

در دوران خلافت ابوبکر دو منبع درآمدی دیگر سبب تحرک اقتصادی گردید: یکی درآمدهای حاصل از معادن و دیگری دریافت‌های بدست رسیده از پیمان‌های نظامی با سایر قبایل و ملل و در دوران خلافت عمر تغییرات مهمی در تحرک اقتصادی مسلمین ایجاد گردید زیرا با فتح سرزمین‌ها یوسیع بر تحرک اقتصادی مسلمین افزوده شد. فتح چراگاه‌های جدید، مالیات بر تولید کشاورزی، جزیه از غیر مسلمانان که عمر نرخ آن را افزایش داد، تعیین مالیات بر بازرگانان خارجی و ... و این روند در زمان عثمان و حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام شکل منسجم پیدا نمود و حضرت علی علیه السلام سازمان یارانه نقدی و غیر نقدی که در زمان عمر شکل گرفت را اصلاح و ساختارمند نمود (جولید، ۱۳۸۸ ش، صص ۲۶۴-۲۶۲)

تحرک اقتصادی آن چنان در مکتب اسلام اهمیت دارد که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **أَيُعْجُزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ مِثْلَ النَّمْلَةِ؟ فَإِنَّ النَّمْلَةَ تَجُرُّ إِلَى جُحْرِهَا؛ أَيَا شِمَا (در کار و فعالیت) به اندازه یک مورچه همت ندارید؟ مورچه خودش شخصاً به دنبال روزی می‌رود و دانه را به داخل لانه‌اش می‌برد.** (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۷۹) و در حدیثی دیگر امام باقر علیه السلام از آنان که تحرک اقتصادی ندارد اعلام بیزاری و نفرت می‌نماید:

إِنِّي لَأَبْغُضُ الرَّجُلَ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ؛ من از مردی که در امور دنیوی خود تنبل و تن‌پرور باشد بیزارم. کسی که در امور دنیوی خود سست و لاابالی باشد در امور آخرتش لاابالی‌تر خواهد بود! (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۵، ص ۸۵)

بنابراین تحرک اقتصادی یکی از شاخصه‌ها و ارکان اقتصاد اسلامی است و امت مسلمان موظف است، در کنار امور عبادی به فعالیت و تحرک اقتصادی هم بپردازد. در واقع اسلام طلب و کسب رزق را در سایه سار تحرک اقتصادی صحیح می‌داند.

قال الصادق علیه السلام: **اعلم يا مفضل ان راس معاش الانسان و حياته الخبز و الماء ... جعل الخبز متعذرا لاينال الا بالحيلة و الحركة، ليكون للانسان في ذلك شغل يكفه عما يخرج اليه الفراغ من الاشر و العبث.** ؛ ای مفضل! بدان که اصل زندگانی آدمی به نان و آب است ... (خدا) نان را دور از دسترس قرار داد که دست یافتن به آن جز با ابزار و کوشش میسر نیست، تا آدمی برای به دست آوردن

آن نیازمند به کار کردن باشد؛ و همین او را از شر ناسپاسی و بیهوده گردی برخاسته از بیکاری و آسودگی باز دارد.

ابن حزم از فقهای مذاهب اسلامی، به چهار دسته از نیازها اشاره دارد که از نظر او از ارکان نیازهای ضروری بشری بوده و به عنوان استانداردهای زندگی مطرح اند. این نیازها عبارتند از: خوراک، پوشاک، نوشیدنی و سرپناه یا مسکن. و البته حکومت مسؤول بر آورده ساختن نیازهای اساسی می داند. و در کنار دولت ها ثروتمندان جامعه نیز وظیفه ای خطیر مخصوصا در مناطق سکونت آنها قائل است و آنها را مسؤول بر آورده ساختن نیازهای فقرا می داند. (شیبانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۳۱)

این که در آیات و احادیث مختلف دعوت به تحرک و کار شده و بیکاری و کسالت شدیداً نکوهیده شده است، گویای توجه ویژه اسلام به موضوع اقتصاد و جایگاه آن است.

مکتب اقتصادی اسلام، تاکید دارد مسلمان باید از دسترنج خود ارتزاق نماید؛ قال رسول الله ﷺ: **كُلُوا مِنْ كَدِّ أَيْدِيكُمْ**؛ از دسترنج خودتان ارتزاق نمایید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳: ۳۱۴) امام صادق علیه السلام فرمود:

ان الله تبارك و تعالی لما اھبط آدم علی الارض امره بالحرث و الزرع؛ خداوند تبارك و

تعالی چون حضرت آدم را پائین آورد، به او امر کرد که کشت و زرع کند. (نوری

طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳: ص ۴۶۲)

حکیمی در این خصوص می نویسد:

سفارش اکید بر تحرک، کار و ترک بیکاری، طبق تعالیم مکتب اسلام، یک اصل

حساب می شود و آموزه های دینی فراوان به تشویق مردم برای تحرک و تلاش و

درست کار نمودن پرداخته و همچنین کسالت و بیکاری را سخت زشت شمرده

است. (حکیمی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۲۵)

امام خامنه ای می فرماید:

کشور ما از ساعت اول [پیروزی انقلاب] در جهت استقلال اقتصادی حرکت

کرد. البته تا رسیدن به یک استقلال اقتصادی کامل، هنوز فاصله داریم و مردم باید

کار کنند، جوانان باید درس بخوانند، متخصصان باید تلاش نمایند. (خامنه ای،

۱۳۷۶، ج ۴: ۵۰)

یکی از آفت‌های اقتصادی مساله احتکار است که نافی تلاش و کار می‌باشد. در این که شارع مقدس احتکار را نهی فرموده، همه فقهای مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند، اما در حکم مستفاد از این حرمت اختلاف کرده‌اند (شمس‌الدین، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۴۷) اکثر فقهای اشیعه قائل به حرمت هستند. (کرکی عاملی، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۷) و همچنین فقهای مذاهب اسلامی مانند ابن حزم (ابن حزم، ۱۴۳۰ ق، ج ۹، ص ۶۴) و برخی از فقها مانند شیخ طوسی، محقق حلی، شیخ مفید، قائل به کراهت هستند و بعضی از احناف نیز قائل به کراهت تحریمی هستند یعنی شدت طلب در ترک فعل. (شمس‌الدین، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۴۸) کاسانی از فقهای احناف می‌نویسد: احتکار امتناع از بیع اطعمه و ... می‌باشد و موجب ضرر به جامعه اسلامی و مسلمین است و حتی شامل علف چهارپایان و ... نیز می‌گردد و طبق روایت نبوی ﷺ حرام است که آن حضرت فرمود: المحتکر ملعون؛ و بر امام واجب است در صورت احتمال ضرر شدید بر مسلمین بر اثر احتکار آن مال را از محتکر بگیرد و میان مسلمین تقسیم نماید (کاسانی، ۱۴۳۱ ق، ج ۵، ص ۱۲۹) مالک از دیگر فقهای اهل سنت می‌گوید: احتکار در هر چیز در بازار از طعام، روغن، کتان و جمیع اشیاء و خلاصه هر چیزی که سبب ایجاد ضرر در اقتصاد مسلمین می‌شود، می‌باشد (اصبحی (مالک)، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۲۹۱)

غزالی از بزرگان شافعی می‌نویسد: احتکار یعنی حبس طعام و انتظار برای گران شدن قیمت‌ها و این ستم به اقتصاد عموم مردم است و پیامبر اکرم ﷺ فرمود اگر کسی طعامی را ۴۰ روز احتکار کند و سپس همه آن را صدقه دهد، موفق به کفاره احتکار نشده است. و احتکار در جنس معطوف به اطعمه است و در وقت شامل همه اوقات است و شاید مختص به زمان کمبود آذوقه باشد در هر صورت اگر موجب ضرر شود حرام می‌باشد (غزالی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، صص ۷۶-۶۲)

در نزد حنابله با سه شرط احتکار حرام می‌شود: موجب تضییق و ضرر بر هیچ کس نگردد و محتکر ارزاق و اطعام را احتکار کند (ابن قدامه، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۱۹۸)

شوکانی نیز می‌نویسد: روایات ظهور در حرمت احتکار دارد و فرقی میان آدمیان و چهارپایان و ... ندارد اما تصریح و تنصیص به طعام در بعض احادیث صلاحیت تقیید باقی

روایات مطلقه را ندارد، زیرا از قبیل تنصیص بر فردی از افراد و مصداقی از مصادیق مطلق است و این که نفی حکم احتکار از غیر طعام از باب مفهوم لقب است و جمهور فقها به مفهوم لقب عمل نمی‌کنند و هر چیزی که از این باب باشد طبق آن چه در اصول فقه مقرر شده، صلاحیت تقیید ندارد. (شوکانی، ج ۳، ص ۳۳۸) و هرگاه علت حرمت احتکار و حبس از باب اضرار به مسلمین باشد حرمت احتکار در قوت و غیر قوت یکسان است. (شوکانی، ج ۳، ص ۳۳۸) ابویوسف از بزرگان احناف معتقد است: هر چیزی که حبس آن به عموم امت ضرر بزند احتکار است حتی اگر طلا و نقره و پوشاک باشد. (کاسانی، ج ۵، ص ۱۲۹) صاحب جواهر نیز می‌نویسد: همین طور است در احتکار و حبس هر چیزی که نفوس محترمه به آن محتاج باشند و اضطراب دارند و در خصوص آن در تنگنا قرار داشته باشند مانند خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، پوشاک و (نجفی، ج ۲۲، ص ۴۸۳)

فقهای اسلامی نه فقط نسبت به احتکار بلکه درباره سودآوری هم احکام و ملاحظات را ارائه داده‌اند.

اسکافی، عمانی، مالک، ابن قدامه و ... گفته‌اند: هرگاه بازرگان مالی را بخرد و در آینده جنس را تحویل بگیرد و ثمن را همان لحظه پرداخت کند، جایز نیست قبل از دریافت مال آن را با سود بیشتر بفروشد و ابن قدامه در این فتوا ادعای اتفاق و اجماع نموده است. (صدر، ۱۳۹۷ ش، ج ۲، ص ۳۷۴)

اعتماد به نفس مهم‌ترین ابزار تحرک اقتصادی

برای داشتن یک فضای پر تحرک اقتصادی، باید به اعتماد و خود باوری رسید و خودباختگی را از بین برد و مهم‌ترین ابزار تحرک اقتصادی اعتماد به نفس و خود باوری است. لذا مهم‌ترین ضلع تثبیت این مهم ارتقای باور توانایی اقتصادی و اعتماد به نفس در راستای ما می‌توانیم است.

امام فرمودند: یکی از خیانت‌هایی که شاه به کشور ما کرده است، وابسته کردن اقتصاد ما به اجانب است. اعمال شاه، موجب ضعف اقتصاد و پاشیدگی اقتصادی و به هم ریختن

بنیادهای اقتصادی شد. مردم ما با انقلابی که شده است قادر هستند همه امور را در مجرای صحیح و مستقل قرار دهند. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۵۰۳)

امام خامنه‌ای در رهنمودی متین می‌فرماید:

ملت اول باید به خود ایمان بیاورد و خود باختگی را کنار بگذارد؛ اگر به خود اعتماد پیدا کرد و احساس نمود به بیگانه نیازی ندارد و خود را در مقابل بیگانگان کوچک و حقیر ندید راه پیشرفت در مقابلش باز می‌شود. (هلودی، ۱۳۹۸: ۲۱۳). دشمن درونی خطرناک تر است. نداشتن اعتماد به خود و نه به ملت خود این ها بیماری و خطر است. همیشه دشمنان سعی داشته‌اند که این میکروب ها را در درون جامعه ایرانی رسوخ دهند: شما نمی‌توانید، شما قادر نیستید، آینده تان تاریک است، بیچاره شدید و سعی در این بوده بوده ملت را بی‌اعتماد به نفس کنند. (هلودی، ۱۳۹۸: ۲۰۳) این که ما خیال کنیم رونق اقتصادی کشور صرفا با سرمایه گذاری خارجی تامین می‌شود، خطا است سرمایه گذاری خارجی البته چیز خوبی است، اما این یکی از خانه‌های جدول اقتصاد مقاومتی را پر می‌کند. مهم تر از سرمایه گذاری خارجی، فعال کردن ظرفیت‌های درونی و داخلی است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۳۴)

در تکمیل و تبیین محور اعتماد به نفس باید گفت: این حقیقت به معنای خود محوری و الحاد و غرق شدن در مادیات نیست. بلکه اعتماد به نفس یعنی یقین و باور توحیدی به نصرت و وعده الهی است.

امام خامنه‌ای در تبیین این حقیقت می‌فرماید:

یکی از اصول امام، اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده ی الهی و در نقطه مقابل بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر و زور گوی جهانی است این یکی از اجزای مکتب امام است». (سیاهپوش، ۱۳۹۸: ۶۱۴)

نکته مهم دیگر در این بحث این است که: در خصوص تحرک اقتصادی باید هماره مراقب فرو افتادن در دام اسراف یا ریاضت غلط بود.

اسراف مصدر باب افعال از ثلاثی مجرد سرف و نقیض اقتصاد است (واعظ زاده خراسانی، ب، ۱۳۹۵، ج ۳۲: ۲۲۵) و در قرآن و روایات به شدت نهی و مرتکب آن سرزنش شده است. قرآن

کریم در آیات مختلف زشتی و حرمت اسراف و عاقبت مسرفین را تبیین فرموده است. وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ؛ و قطعاً اسراف کاران، اهل آتش خواهند بود (غافر: ۴۳)

امام حسن الزکی العسکری علیه السلام می‌فرماید: عَلَیْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَالْاِسْرَافِ میانه‌روی کن و از اسراف برحذر باش. (مرعشی شوشتری، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲: ۴۶۷)

امام سجاد علیه السلام عرضه می‌دارد: وَ احْبِسْنِي عَنِ السَّرْفِ وَ الْاِزْدِيَادِ، وَ قَوِّمْنِي بِالْبَدْلِ وَ الْاِقْتِصَادِ؛ و مرا از اسراف و زیادی خواهی بازدار، و به بخشش و انتخاب میانه روی سامان ده،! (صحیفه سجادیه: دعای ۳۰)

امام خامنه‌ای در خصوص خطرات اسراف و مصرف غلط می‌فرماید: اگر یک جامعه‌ای بخواهد از لحاظ استحکام درونی اقتصاد خود به نقطه‌ای برسد که آسیب‌پذیر نباشد، یکی از کارهای واجبی که باید انجام بدهد، این است که اسراف و زیاده‌روی و زیاد مصرف کردن و مانند اینها را کنار بگذارد.. (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۴۸)

حکیمی در تبیین اسراف می‌نویسد: مسرفان تنها خود را به مهلکه نمی‌اندازند، بلکه توده‌های مردم را به تباهی و بی‌بند و باری و کور دلی و سقوط می‌کشاند و سرچشمه‌هایی می‌شوند برای فسادهای فردی و اجتماعی و اخلاقی و تربیتی و اقتصادی و معیشتی (حکیمی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۳۵)

بعضی از فقهای اهل سنت نوشته‌اند: اسراف صرف کردن شیء در اموری است که سزاوار و شایسته نیست و ابن عابدین بین اسراف و تبذیر تفاوت قائل بوده و می‌نویسد: اسراف صرف نمودن بیش از حد کفایت است و تبذیر صرف نمودن در اموری است که شایستگی ندارد. (ابن عابدین، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۴۸۴)

نکته: مقابل اسراف مساله اقتار است. کلمه اقتار به معنای تنگ و سخت گرفتن و کمتر از

مقدار لازم استفاده نمودن و به نوعی بخل ورزیدن است. (طریحی، ۱۹۸۹م، ج ۳: ۴۴۷)

اِسْتَاذَنْتُ الرَّضَا علیه السلام فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْاِعْيَالِ فَقَالَ بَيْنَ الْمَكْرُوهِينَ قَالَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا وَاللَّهِ مَا اَعْرِفُ الْمَكْرُوهِينَ قَالَ فَقَالَ بَلَى يَرْحَمُكَ اَللَّهُ اَمَا تَعْرِفُ اَنَّ اَللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَرِهَ الْاِسْرَافَ وَ كَرِهَ الْاِقْتَارَ فَقَالَ وَ الَّذِيْنَ اِذَا اَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامٌ، عیاشی می‌گوید: از امام رضا علیه السلام راجع

به دادن خرج خانواده اجازه خواستم، فرمود: میان دو شیوه ناپسند. گفتم: فدایت شوم به خدا سوگند این دو شیوه ناپسند را نفهمیدم. فرمود: آری. خدا ببخشایدت، آیا نمی‌دانی که خداوند اسراف و امساک (تنگ گرفتن و سخت گیری بیجا) را ناپسند می‌دارد و می‌فرماید: «و کسانی که وقتی اتفاق می‌کنند اسراف نمی‌ورزند و امساک هم نمی‌کنند و میان این دو استوارند. (صدوق، -، ج ۱: ۶۳)

حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمودند:

ما أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدًا إِلَّا نَاعِمًا، إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةً لَيَأْكُلُ مِنَ الْبُرِّ وَيَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ؛ همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین‌ترین آنها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می‌خورد و سرپناه مناسب دارد و از آب سالم فرات می‌نوشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰: ۳۲۷)

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند؛ این جور گاهی بعضی القا می‌کنند. ما می‌گوییم ریخت و پاش نباشد؛ مصرف کردن یک حرف است، بد مصرف کردن یک حرف دیگر است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۹)

عدالت در اقتصاد

عدالت، از مهم‌ترین شاخصه‌ها و بلکه از ارکان اقتصاد اسلامی است.

طریحی در معنای عدل می‌نویسد: العدل فى اللغة هو التسوية بين الشئین. (طریحی ۱۹۸۹م، ج ۵: ۴۲۰) در واقع عدالت میانه روی در کارها و دوری و اجتناب از هر نوع افراط و تفریط است به گونه‌ای که هر امری در جای واقعی خود قرار گیرد.

عدالت اقتصادی یعنی انسان در چارچوب رعایت حق و حقوق خود و دیگران اقدام نماید و در روابط اقتصادی از اوامر الهی تعدی نکند. به بیان دیگر: اصلاح عقود و روابط مالی نهادها و مردم و تعلیم آموزه‌های شرعی داد و ستد ها و مبارزه جدی با ربا و حيله‌های شرعی و امام کاظم علیه السلام فرمودند: لو عدل فى الناس لاستغنوا؛ اگر میان مردم عدالت رعایت شود هر آینه آنان بی‌نیاز خواهند شد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۹۵)

خلیفه دوم در دستور العملی به ابو موسی اشعری از او می‌خواهد با همه مردم بر اساس

احترام رفتار نموده تا ضعفا از عدالت اسلامی نا امید نشده و افراد قوی به فکر امتیاز خواهی از حاکم نیفتند. (جولید، ۱۳۸۸ش، ص ۹۶)

آری مقوله عدالت اقتصادی آن قدر اهمیت دارد که می توان گفت: عدالت اقتصادی علت اصلی پذیرش ریاست حکومت توسط حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام بعد از ۲۵ سال انحراف مردم از حق بود.

وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يِقَارُوَالِى كِظَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَغَبٍ مَظْلُومٍ لَا لَقِيَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می ساختم.

«سَغَب (گرسنگی) و درد مظلوم و در مقابل شکمبارگی و سیری ظالم هر دو امری غلط و شیطانی است و مقابله با آن وظیفه عالمان است» (حکیمی، ۱۳۷۰: ۲۹۰)

امام خامنه ای در شرح این فرازا می فرماید:

جامعه اسلامی یک جامعه بی طبقه است؛ ثروت های روی زمین مال همه انسان ها است. دین خدا از آغاز می خواسته عدالت [اقتصادی] در جامعه اسلامی و در جامعه بشری برقرار باشد. همه مردم به صورت واحدی از مواهب خدا بهره ببرند؛ فرصت ها، امکانات در اختیار همه به یک اندازه باشد. امکانات در اختیار همه به اندازه نیاز و شعورشان باشد نه در اختیار یک قشر خاص، یک طبقه، یک گروه، یک جمع (خامنه ای، ۱۳۹۹ش: ۷۲)

بنابراین عدالت اقتصادی یعنی حفظ حدود الهی، توسط انسان و رعایت قانونی که آدمی را به تعالی رسانده و از سقوط در خصلت های حیوانی باز دارد و در یک جمله عدالت اقتصادی یعنی: دفع طاغوت اقتصادی و خوی حیوانیت از انسان.

امام خمینی رحمته الله علیه می فرماید:

اما آنهایی که دم از اقتصاد می زنند و زیربنای همه چیز را [صرفاً] اقتصاد می دانند از باب این که انسان را نمی دانند یعنی چه، خیال می کنند که انسان هم یک حیوانی است که همان خورد و خوراک است! منتها خورد و خوراک این حیوان با حیوانات

دیگر یک فرقی دارد. این چلوکباب می‌خورد؛ او گاه می‌خورد؛ اما هر دو حیوانند؛ اینهایی که زیربنای همه چیز را اقتصاد می‌دانند اینها انسان را حیوان می‌دانند. حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است. (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۴۵۰)

در حقیقت اهمیت عدالت اقتصادی به معنای این است که همه چیز انسان معطوف و خلاصه در اقتصاد او نشود و اقتصاد او نیز مانند دیگر ابعاد زندگی وی در خدمت الهی شدن انسان گردد.

بدین روی تحقق عدالت همواره جزء اصلی و لاینفک اقتصاد اسلامی بوده و حکومت‌های اسلامی با رعایت آن می‌توانند اسلامیت خود را اثبات نمایند.

امام خامنه‌ای در تبیین اهمیت این مقوله می‌فرمایند:

بدون تامین عدالت، جامعه ما اسلامی نخواهد بود. هدف پیامبران و کار اول انبیاء اقامه قسط است. هدف حکومت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باز همین عدل است. شما این روایات مربوط به امام زمان و دعاها و زیارت‌های مربوط به امام زمان را که می‌خوانید، ببینید روی چه چیزی تکیه می‌شود؛ وَ اَنْتَ الَّذِی تَمَلُّهُ الْاَرْضُ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا در همه‌ی این روایات و دعاها، مسئله‌ی آمدن امام زمان معلّل به این شده که این بزرگوار بیاید و در دنیا قسط و عدل بیاورد. اصلاً مشکل دنیا این است که قسط و عدل نیست. (خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۰۹)

ابن تیمیه در تذکری اعلام می‌کند که

به بهانه عدالت نباید، بازاریان را مجبور به فروش اموال خود به قیمت‌های کاهشی و ... نمود. او با تفصیلی قیمت عادلانه را همان قیمت‌المثل می‌داند و اعتقاد دارد قیمت‌المثل در حقیقت نرخی است که در آن نرخ، مردم مایلند تا کالاهای خود را به فروش برسانند و این قیمت، به عنوان عوضی برای کالاهای مشابه و در زمان و مکان خاص پذیرفته شده است. و این قیمت به وسیله نیروهای آزاد عرضه و تقاضا مشخص می‌شود. او افزایش غیرمتعارف را کار خداوند دانسته و معتقد است: در شرایطی که مردم خرید و فروش خود را به شکل متعارف انجام می‌دهند، هیچ نوع بی‌عدالتی رخ نداده و کمبود کالا یا افزایش جمعیت هم اتفاق نیفتاده است، در

این هنگام، اگر افزایش در قیمت اتفاق بیفتد، از جانب خداوند صورت گرفته است. و در چنین زمانی اگر فروشنده را مجبور به فروش کالاهای خود در قیمت خاصی بنماییم، در حقیقت تحمیلی نابه‌جا و بناحق صورت گرفته است و این خلاف عدالت است نه اجرای عدالت. (اصلاحی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۱۹)

همچنین معتقد است:

از آن جایی که افراد، صاحب چیزهایی هستند که در اختیار آنها است، هیچ کسی نمی‌تواند چه به صورت جزئی و چه به صورت کلی این قدرت را از آنان سلب کند؛ مگر این که این عمل، با توافق کامل خود آنها صورت بگیرد. همچنین مجبور ساختن فرد به فروش چیزی که از لحاظ قانونی ملزم به فروش آن نیست و یا تحمیل فرد برای انجام عملی که از نظر قانونی ملزم به انجام آن نباشد، در حقیقت، نوعی بی‌عدالتی است و بی‌عدالتی نوعی ظلم و حرام است. اما اگر دلیلی برای مجبور ساختن فرد به فروش کالا وجود دارد، به طوری که بدون این فشار و زور، شخص وظایف خود را انجام نمی‌دهد، در این صورت، باید وی را مجبور ساخت که کالای خود را به قیمت‌المثل به فروش برساند؛ تا از این طریق، دیگران نیز منافع کسب نمایند. (اصلاحی، ۱۳۸۵ ش، صص ۲۲۵-۲۲۳)

ابن حزم یکی دیگر از فقهای مذاهب اسلامی در خصوص رعایت عدالت و ظرافت‌های آن در اقتصاد اسلامی می‌نویسد:

پیش از وضع هر نوع مالیاتی، باید رعایت عدالت با توجه به مصالح مردم در نظر گرفته شود. مثلاً در جمع‌آوری مالیات بایسته است عدالت رعایت گردد؛ زیرا این مردم هستند که پرداخت‌کننده مالیات‌اند؛ برای همین هر نوع ضرر و زیانی که بر مردم وارد گردد، در نهایت اثر خود را بر کل نظام و بالتبع، جمع‌آوری مالیات خواهد گذاشت. (شیبانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۳۳)

مالکیت

مالکیت، شاخصه‌ای است که انسان با آن زندگی زمینی خود را آغاز نمود و در متون روایی اسلام به اندازه خون او حرمت دارد. قال رسول الله ﷺ: حرمة ماله كحرمة دمه؛ حرمت مال

مومن مانند حرمت خون اوست (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲: ۲۶۸)

مالکیت در مکتب اقتصادی اسلام تا آن حد اهمیت دارد که، مالک برای حفظ مالکیت خود تا مرحله جان دادن و شهادت هم می‌تواند اقدام نماید. قال الامام الرضا علیه السلام: و من قتل دون ما له فهو شهيد ؛ هر کس برای حفظ مال خود کشته شود ؛ شهید است. (صدوق، ۱۳۶۳ ش، ج ۴: ۹۵)

امام خمینی قدس سره می‌فرماید: «مالکیت یعنی اعتبار اضافه و انتساب بین شخصی که مالک نام دارد و شیئی که مملوک نامیده می‌شود». (خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱: ۲۰)

در بحث مالکیت انسان این نکته مهم باید تذکر داده شود که معارف مکتب اقتصادی اسلام، اثبات می‌کند مال، از آن خدای سبحان است و انسان در واقع امین خداوند متعال می‌باشد.

قال الإمام الصادق عليه السلام: المال مال الله عز وجل، جعله ودائع عند خلقه، و أمرهم أن يأكلوا منه قَصداً، و يشربوا منه قَصداً، و يلبسوا منه قَصداً، و ينكحوا منه قَصداً، و يركبوا منه قَصداً، و يعودوا بما سوى ذلك على فقراء المؤمنين، فمن تعدى ذلك كان ما أكله حراماً، و ما شرب منه حراماً و ما لبسه منه حراماً، و ما نكح منه حراماً، و ما ركب منه حراماً (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴: ۱۰۳)؛ اموال از آن خداست و آنها را نزد آفریدگان خویش امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن با میانه روی بخورند و با میانه روی بنوشند و با میانه روی بپوشند و با میانه روی ازدواج کنند و با میانه روی وسیله سواری بخرند و سوار شوند و بیش از آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند. هر که از این حد [اعتدال و میانه روی] فراتر رود، آنچه از آن مال می‌خورد حرام است و آنچه می‌نوشد حرام و آنچه می‌پوشد حرام و آنچه به وسیله آن مال ازدواج می‌کند حرام و آنچه سوار می‌شود حرام است.

مکتب اقتصادی اسلام مسلمان را هدایت می‌کند، تا نه در دام تکاثر گرایی بیفتد و نه در مرداب فقر مداری و گدا پروری غرق گردد و تلاش و کوشش مالی را همسان اجتهاد و تلاش عبادی معرفی، بلکه در برخی موارد برتر از آن بیان نموده است.

قال الإمام الرضا عليه السلام: إن الذي يطلب من فضل يكف به عياله أعظم أجراً من

المُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که برای تأمین مخارج خانواده اش در طلب روزی خدا بر آید، پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹: ۳۳۹)

پس اسلام متفاوت از همه مسلک‌های اقتصادی، با نگرش و نگاهی خاص برای انسان، مالکیت قائل است و ایراد هر گونه ضرر و خدشه به مالکیت انسان را مردود می‌داند. حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) می‌فرماید: ان الاموال المسلمین لا تحتمل الاضرار (حکیمی؛ ۱۳۷۵ش، ج ۳: ۲۳۵) در نظام سرمایه داری، مالکیت خصوصی معتبر است و مالکیت عمومی، جز در مواردی که گریزی از آن نیست مورد قبول نیست و اما در نظام‌های سوسیالیستی محور اصلی مالکیت عمومی است و قبول مالکیت خصوصی فقط در موارد خاص است. (خادمیان نوش آبادی، ۱۳۸۴ش: ۱۶۲)

واضح است هر دوی این نگرش سبب محدود شدن فضای تحرک اقتصادی و بستری برای فساد با ابزار مالکیت است. زیرا در نظام سرمایه داری اقلیت ثروتمند، مالک همه چیز خواهد شد و پول دار هر روز پول دار تر و فقیر هر روز فقیر تر می‌شود و اکثریت مردم انگیزه تحرک اقتصادی را از دست می‌دهند.

در نظام سوسیالیستی نیز انگیزه فردی معدوم می‌شود و تلاشگر و کاهل هر دو یکسان از ره آورد ها بهره مند خواهند شد و بدون دلیل مالکیت اشخاص نادیده گرفته می‌شود.

امام خامنه‌ای در تفاوت نظام اقتصادی اسلام با سایر نظام‌های اقتصادی می‌فرماید:

اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی، فرق عمده‌ی ما با نظام سرمایه داری همین است. در نظام‌های سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هرکه بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدم است. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است.

در نظام اسلامی هرکس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است مثل فرصت‌ها و امکانات متعلق به همه‌ی کشور است و باید در این‌ها تبعیضی وجود نداشته باشد. ما با نظام سوسیالیستی هم، به

همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می‌گیرد؛ ابتکار و میدان را می‌گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده‌ی سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ ش: ۱۸)

پس رکن مالکیت هم مانند سایر اصول و فروع وقتی کار آمد و مفید فایده خواهد بود که کاملاً مبتنی بر عقلانیت و شریعت باشد و تمامی تدابیر آن در راستای نزاهت فرد و جامعه مهندسی شود.

در مکتب اقتصادی اسلام همان طور که کسالت و بیکاری نکوهش شده است، اشتغال به هر شغلی هم جایز نیست و کسب درآمد و مالکیت از هر راهی ممکن نمی‌باشد.

این مهم یعنی اسلام حق مالکیت فردی را در چارچوب خاصی محترم و مقبول می‌داند و اشخاص از طریق قراردادهای باطل مانند ربا و قمار و ... یا غصب و سرقت و ... مالک شناخته نمی‌شوند.

حتی در خصوص مالکیت غاصب هم نظرات مهمی در میان فقها مطرح است.

صاحب جواهر می‌نویسد: محصول کشاورزی بدست آمده از بذر غصبی و جوجه بدست آمده از تخم غصبی از آن غاصب است و غاصب مالک آن است، زیرا دانه و تخمی که مالک اصلی داشته دیگر از بین رفته و به چیز دیگری مبدل شده است پس محصول مزرعه و جوجه متولد شده جدید بوده که بر اثر تلاش فرد غاصب بدست آمده و غاصب با کار خود آن را تولید نموده و مالک آن است.

ابن جعفر از فقهای اباضیه می‌نویسد: سود مال غاصب است ولی ضمان نیز بر عهده وی می‌باشد (ابن جعفر، ۱۴۳۹ ق، ج ۵، ص ۳۱۸)

مرغینانی از فقهای مذاهب اسلامی می‌نویسد: هر گاه شیء غصب شده با کار غاصب تغییر کند و عنوان آن بر اثر تلاش غاصب عوض شود و عمده منافع آن نیز دگرگون گردد، در مالکیت غاصب است و دیگر صاحب اصلی مالکیتی بر آن ندارد. (مرغینانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۶، ص ۵۰۱)

سرخسی معتقد است: اگر کسی گندمی را غصب نماید و آن در بکار و بعد از کاشتن

صاحب آن به غاصب رجوع کند در حالی که بذر رشد کرده و تبدیل به کشتزار شده و روییده و سبز شده است، غاصب موظف است گندمی مانند همان بذر اولی به مالک بدهد و مالک اولی هیچ تسلطی بر بذر کشت داده شده ندارد ولی از نظر شافعی مالک اصلی، تسلط دارد چون رویش نتیجه بذر در مالکیت وی است. (سرخسی، ۱۴۳۱ق، ج ۱۱، ص ۹۴)

ابن حزم در میان فقهای مذاهب اسلامی در زمینه مالکیت و تلاش و کوشش نگاهی متفاوت و خاص دارد. می‌توان گفت وی تنها فقیهی است که اجاره دادن زمین‌های زراعی را ممنوع اعلام می‌کند. (شیبانی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۷) و اعتقاد دارد: کارگری که در زمین زراعی مشغول به کار است، همانند صاحب ملک مورد احترام می‌باشد. از نظر ابن حزم، اجاره زمین، به صورت تعیین سهمی از پیش تعیین شده محصول برای صاحب آن، نامشروع و حرام است و در این مورد، فرقی نمی‌کند که زمین در مقابل بخشی از محصول یا اینکه در عوض پول و یا به روشی مشابه اجاره داده شود. نقل شده است که ابن حزم در جایی گفته است «ضروری است که هر فرد در درجه اول، خود در زمین زراعی به کار پردازد و اگر قادر به این کار نبود، باید آن زمین را بدون اخذ هرگونه اجاره بها و یا پولی به فرد دیگری واگذار کند و در نهایت، اگر انجام این عمل ممکن نبود باید زمین زراعی را بدون استفاده باقی بگذارد. (شیبانی، ۱۳۸۵ش، ص ۶۳)

ابن قدامه معتقد هستند: از ظاهر مذهب استفاده می‌شود که مزارعه در صورتی صحیح است که بذر را صاحب زمین تامین نماید و کار از کشاورز باشد و طبق برخی اقوال احمد بن حنبل و ابن سیرین و شافعی نیز بر همین نظر هستند. (ابن قدامه، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۸۹)

نکته دیگر این که: در مکتب اقتصادی اسلام مالکیت نباید سبب غرور، تفاخر، ظلم و تضییع حقوق گردد. این مکتب ضمن احترام به مالکیت فردی اشخاص در اموال آنان یک سلسله حقوق مانند پرداخت زکات، خمس، صدقه؛ اتفاق قرض و ... را معین فرموده است و صاحب مالکیت و ثروت باید مراقب ضعیف باشد و فقرا از خان نعمت او بهره مند باشند.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا

مُتَّعٍ بِهٖ غَنًی خداوند روزی نیازمندان را در اموال ثروتمندان واجب کرده است و نیازمندی گرسنه نمی‌ماند، مگر این که توانگری از حق او بهره‌مند شده باشد. (نهج البلاغه، حکمت: ۳۲۸)

نتیجه

با توجه و تأمل در مطالب و تحلیل‌های ارائه شده در این پژوهش می‌توان گفت: تعالیم اسلام و دعوت رهبران آن به تلاش اقتصادی، خود گویای جایگاه و اهمیت اقتصاد در اسلام و امت اسلامی است.

در مکتب اسلام و اندیشه رهبران معصوم علیهم‌السلام آن و جانشینان آنان، در تمام ادوار، مخصوصاً در دوره انقلاب اسلامی ایران با رهبری امامین انقلاب اسلامی؛ و فقهای مذاهب اسلامی اقتصاد و فروع آن از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده و شاخصه‌های علمی و اهمیت آن در چارچوب داده‌های شریعت و احترام به فطرت انسانی برای تحقق یک اقتصاد مانا و پویا مهندسی و تعلیم می‌گردد و اقتصادی مورد قبول است که در آن تلاش و تحرک اقتصادی همراه با اندیشه و تدبیر که شاخصه‌های ایجابی آن اعتماد به نفس، عدالت و مالکیت و... و شاخصه‌های سلبی آن دوری از فساد، استعمار، مادی‌گری صرف، اسراف و... باشد و قطعاً اقتصادی که دارای این خصوصیات باشد سبب ترقی و رشد جامعه انسانی می‌گردد.

کتابنامه

قرآن مجید

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

- ابن جعفر، محمد بن جعفر، الجامع، وزارت التراث و الثقافة عمان، سوم، عمان، ۱۴۳۹ق
- ابن حزم، علی بن احمد، المحلی، مؤسسة التاريخ العربی، چهارم، بیروت، ۱۴۳۰
- ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المحتار، دارالفکر، اول، بیروت، ۱۴۲۵ق
- ابن قدامه، موفق الدین و شمس الدین، المغنی، دارالفکر، اول، بیروت، ۱۴۱۴ق
- اصبحی، مالک بن انس، المدونة الكبرى، دارالکتب العلمیة، اول، بیروت، ۱۴۱۵ق
- امام خامنه ای، سید علی، اقتصاد مقاومتی، راه روشن پیشرفت و عدالت از دیدگاه امام خامنه ای، سراج اندیشه اسلامی، اول، ایران، ۱۳۹۷
- _____، حدیث ولایت، ج ۳، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، دوم، ایران، ۱۳۷۷
- _____، حدیث ولایت، ج ۴، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ایران، ۱۳۷۶
- _____، حدیث ولایت، ج ۹، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ایران، ۱۳۷۸
- _____، شرح هفت خطبه نهج البلاغه، انتشارات انقلاب اسلامی، دوم ایران، ۱۳۹۹
- _____، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، انتشارات صهبا، اول، ایران، ۱۳۹۲
- _____، گام دوم انقلاب اسلامی (اقتصاد)، سراج اندیشه اسلامی، اول، ایران، ۱۴۰۰
- امام خمینی، سید روح الله، موسوعة الامام الخميني (کتاب البيع) ج ۱۵، موسسه تنظیم و نشر آثار، چهارم، ایران، ۱۳۹۲
- _____، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چهارم، ایران، ۱۳۸۵
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، اول، ایران، ۱۳۸۱
- جولید، محمود، گفتارهایی در مالیه عمومی در اسلام، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دوم ایران، ۱۳۸۹ش
- حر العاملی، محمد حسن، وسائل الشیعة، داراحیاء التراث العربی، اول، بیروت، ۱۳۸۴ق
- حکیمی، محمدرضا، محمد، علی، الحیاة، ج ۳، احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ایران،

۱۳۷۵

- _____ الحیاة، ج ۴، احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ایران، ۱۳۷۶
- حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ع، اول، ایران، ۱۳۷۰
- خادمیان نوش آبادی، سید حسین، صفیر تدبیر، مرکز آموزش عالی علمی - کاربردی امداد، اول، ایران، ۱۳۸۴
- خوانساری، آقاجمال، شرح فارسی عرو و درر آمدی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، --، ایران، ۱۳۷۳
- ریسونی، احمد، اهداف دین از دیگاه شاطبی، سید حسن اسلامی، سید محمد علی ابهری، بوستان کتاب، دوم، قم، ۱۴۰۲ ش
- سرخسی، شمس الدین محمد، المبسوط، دارالفکر، اول، بیروت، ۱۴۳۱ ق
- سیاهپوش، امیر/آقاپور، علی، فرهنگ، موسسه نشر شهر، چهارم، ایران، ۱۳۹۳
- سیاهپوش، امیر، سیاست، انتشارات انقلاب اسلامی، اول، ایران، ۱۳۹۸
- شمس الدین، محمد مهدی، احتکار در اسلام، سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ایران، ۱۳۷۸ ش
- شیبانی، احمد، غقایید اقتصادی اندیشمندان مسلمان، دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول، ایران، ۱۳۸۵ ش
- صدر، سید محمدباقر، اقتصادما، سید محمد مهدی برهانی، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (دار الصدر)، ایران، ۱۳۹۷
- صدوق، ابی جعفر محمد، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین قم، دوم، ایران، ۱۳۶۳
- _____ خصال، سید احمد فهری زنجانی، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، دار و مکتبة الهلال، بیروت، ۱۹۸۹ م
- طوسی، محمد، امالی، صادق حسن زاده، انتشارات اندیشه هادی، اول، ایران، ۱۳۸۸
- طهرانی، آغابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دارالاضواء، سوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق
- عباس حاجی، جعفر، مکتب اقتصادی اسلام، سمت، اول، ایران، ۱۳۹۰ ش
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء علوم الدین، دارالفکر، اول، بیروت، ۱۴۱۵ ق
- فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البیضاء، مکتبة الصدوق، اول، ایران، ۱۳۴۰

کاسانی حنفی، علاءالدین ابی بکر، **بدائع الصنائع فی ترتیب الشراعی**، دار احیاء التراث العربی،
اول، بیروت، ۱۴۳۱ق

کالوو، پیتر، واگ، ژنوفری، **اقتصاد خرد**، حمیدرضا ارباب، دانشگاه علامه طباطبائی، اول، ایران،
۱۳۷۴.

کتّانی، عبدالحی، **نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام**، سمت، سوم، ایران، ۱۳۹۱ش
کرکی حسینی عاملی، سید محمدجواد، **مفتاح الکرامه**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

کلینی، محمد، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، پنجم، ایران، ۱۳۶۳
مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، سوم، بیروت، ۱۴۰۳ق
مرعشی تستری (شوشتری)، قاضی نورالله، **احقاق الحق و ازهاق الباطل**، منشورات مکتبه آیت
الله العظمی مرعشی نجفی، --، ایران، ۱۴۰۴

مرغینانی، علی بن ابی بکر، **الهدایه**، مکتبه البشری، اول، پاکستان، ۱۴۲۸ق
مظفر، محمدرضا، **المنطق**، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، سوم، نجف، ۱۳۸۸ق
معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، امیرکبیر، پنجم، ایران، ۱۳۶۲

نوری طبرسی، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ج ۱۳، موسسه آل البيت علیه السلام
لاحیاء التراث، اول، ایران، ۱۴۰۸ق

واعظ زاده خراسانی (الف)، محمد، **المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته**، آستان قدس رضوی
ع، اول، ۱۳۹۰

واعظ زاده خراسانی (ب)، محمد، **المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته**، آستان قدس رضوی
ع، اول، ۱۳۹۵

هلودی، موسی، **ارمغان**، انتشارات انقلاب اسلامی، اول، ایران، ۱۳۹۸.